

جنگ‌های داخلی بودند؛ جنگ‌هایی شامل درگیری‌های رخ داده در سوریه، عراق، لیبی، یمن، سومالی و اوکراین. امروز دخالت خارجی در جنگ‌های داخلی، چه به‌طور مستقیم از طریق استقرار نیروها یا استفاده از نیروی هوایی، یا به‌طور غیرمستقیم از طریق ارائه کمک‌های مادی به گروه‌های محلی (به‌منظور به راه انداختن جنگ نیابتی) در همه‌جا وجود دارد. در سال ۲۰۱۹ دولت‌های خارجی با نیروهای نظامی خود در ۲۲ جنگ از ۵۲ جنگ و درگیری داخلی در سراسر جهان مداخله کرده‌اند که این میزان به بالاترین رقم مداخله مستقیم از زمان جنگ جهانی دوم رسیده است. در همین حال حمایت‌های غیرمستقیم از گروه‌های حاضر در جنگ‌های داخلی، مانند تهیه تجهیزات نظامی، بیشتر نیز شده است. در طول ۲ قرن گذشته احتمال این‌که یک گروه شورشی از کمک‌های خارجی استفاده کند از حدود ۲۰ درصد به نزدیک ۸۰ درصد افزایش پیدا کرده است. افزایش هزینه جنگ‌های درون‌کشوری و بین‌کشوری دولت‌ها را تشویق کرده تا از ابزارهای جایگزین دیگری مانند حمایت از شورشیان یا مخالفان و گروه‌های اپوزیسیون یک دولت استفاده کنند.

■ باتلاق امریکایی

دوران جنگ‌های داخلی بین‌المللی شده که از سال ۱۹۴۵ آغاز شده بود، در عین حال عصر شکست نظامی امریکا نیز بوده است. اگر پیروزی را بر اساس دستیابی به اهداف اصلی سیاسی با نسبت مطلوب به هزینه‌ها و منافع تعریف کنیم، ایالات متحده تقریباً در تمام جنگ‌های بزرگ قبل از سال ۱۹۴۵ پیروز شد. اما پس از سال ۱۹۴۵ تنها به یک موفقیت واضح و دقیق دست یافت و آن جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ بود. برای نمایش این تجربه سخت، می‌توانیم بر ۳ مداخله عمده واشنگتن با نیروهای زمینی یا هوایی از زمان حملات ۱۱ سپتامبر تمرکز کنیم؛ جنگ افغانستان، عراق و لیبی. در سال ۲۰۰۱ ایالات متحده با به‌کارگیری ترکیبی از نیروهای هوایی و تعداد کمی از نیروهای ویژه و به‌همراه همکاری متحدان محلی، قاطعانه در جنگ داخلی جاری در افغانستان مداخله کرد تا طالبان را در نهایت از جنوب به سمت مرز پاکستان فراری دهد. طالبان اما در پناهگاه‌های پاکستان به احیای خود دست زدند و درگیری در نهایت به بن‌بست رسید. در سال ۲۰۱۹ واشنگتن پست اسنادی را با نام «اسناد افغانستان» منتشر کرد. براساس این اسناد، بررسی داخلی دولت ایالات متحده در مورد این جنگ، آن را کارزار نظامی‌ای توصیف کرد که با سوءمدیریت، فساد، جاه‌طلبی بیش‌ازحد و تغییر گاه و بیگاه اهداف خدشه‌دار شده بود. در روزهای ابتدایی سال ۲۰۲۱ میلادی بایدن اعلام کرد که نیروهای امریکایی قبل از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۲۱ از افغانستان خارج خواهند شد. در ماه اوت اما طالبان پیشروی برق‌آسایی را آغاز کرد و سراسر افغانستان را در نورددید و در نهایت کابل را به تصرف خود درآورد. پس از ۲ دهه جنگ، بیش از ۲۳۰۰ تلفات نیروهای نظامی امریکایی و همچنین کشته شدن ده‌ها هزار سرباز و غیرنظامی افغانستانی و در عین حال بیش از ۹۰۰ میلیارد دلار هزینه برای جنگ، جنگ افغانستان یک شکست بزرگ برای امریکا شد. جنگ عراق با کشته شدن ۴۵۰۰ سرباز امریکایی و هزینه‌ای بین یک تا ۲ تریلیون دلار برای امریکا، پرهزینه‌تر نیز بود. استراتژی «موج خروشان» در سال ۲۰۰۷ که با افزایش تعداد و سطح نیروهای نظامی امریکا برای دستیابی به شورشیان سنی، قرار بود ایجاد درگیری و جنگ در عراق را کاهش داده و تلاش‌ها برای جنگ داخلی را سرکوب کند، تا ۴ سال بیشتر دوام نیاورد و با عقب‌نشینی نیروهای رزمی ایالات متحده در اواخر سال ۲۰۱۱، وضعیت عراق به شدت شکننده شد. ۳ سال بعد، شورشیان داعش به شمال عراق حمله کرده و دولت را به آسانی شکست دادند و واشنگتن ۳ هزار سرباز امریکایی را دوباره به این کشور بازگرداند. اخیراً تاریخچه دوجلدی جنگ عراق که توسط دانشکده جنگ ارتش تهیه شده است، این جنگ را «شکست ایالات متحده در دستیابی به اهداف استراتژیک خود» توصیف کرد و به این نتیجه رسید که هزینه‌های مادی و انسانی این درگیری به شدت سرسام‌آور بود.



در پی بهار عربی در سال ۲۰۱۱، شورش مسلحانه علیه رژیم معمر قذافی در لیبی آغاز شد. واشنگتن به‌منظور جلوگیری از بحران انسانی فزاینده، یک ائتلافی بین‌المللی تشکیل داد که هدفش افزایش سرعت برای سرنگونی قذافی بود. پس از تغییر رژیم، لیبی در هرج و مرج فرو رفته و سیستم سیاسی آن از هم فروپاشید؛ زیرا شبه‌نظامیان رقیب برای کسب قدرت با هم رقابت می‌کردند. براساس گزارش بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی لیبی از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ حدود دوسوم کاهش یافت. اوپاما در همین خصوص گفت: «شکست در برنامه‌ریزی برای آینده در لیبی»، «بدترین اشتباه» دوران ریاست‌جمهوری‌اش بوده است.

■ موفقیت روسیه و ایران

در همین حال در طول ۲ دهه گذشته روسیه و ایران در مداخله در جنگ‌های داخلی کشورهای خارجی، از موفقیت بسیار بیشتری برخوردار بوده‌اند. مسکو به دنبال برقراری مجدد حوزه نفوذ خود در منطقه پیرامونی‌اش و همچنین مخالفت با نظم جهانی تحت

دوران جنگ‌های داخلی بین‌المللی شده که از سال ۱۹۴۵ آغاز شده بود، در عین حال عصر شکست نظامی امریکانیز بوده است. اگر پیروزی را بر اساس دستیابی به اهداف اصلی سیاسی با نسبت مطلوب به هزینه‌ها و منافع تعریف کنیم، ایالات متحده تقریباً در تمام جنگ‌های بزرگ قبل از سال ۱۹۴۵ پیروز شد. اما پس از سال ۱۹۴۵ تنها به یک موفقیت واضح و دقیق دست یافت و آن جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ بود. برای نمایش این تجربه سخت، می‌توانیم بر ۳ مداخله عمده واشنگتن با نیروهای زمینی یا هوایی از زمان حملات ۱۱ سپتامبر تمرکز کنیم؛ جنگ افغانستان، عراق و لیبی

رهبری غرب، مقاومت در برابر «انقلاب‌های رنگی» مانند انقلاب گرجستان در سال ۲۰۰۳، اوکراین در سال ۲۰۰۴ و رد کردن نظرات اوپاما که ادعا می‌کرد روسیه صرفاً یک «قدرت منطقه‌ای» است که «از روی ضعف» عمل می‌کند، را در دستور کار قرار داد. از ۱۱ سپتامبر، روسیه ۳ مداخله عمده در درگیری‌های داخلی در کشورهای خارجی انجام داده است. در سال ۲۰۰۸، مسکو برای جلوگیری از اعمال کنترل مجدد گرجستان بر جمهوری‌های جدایی‌طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا در یک درگیری نظامی پنج روزه شرکت کرد. روسیه در این درگیری‌ها اتفاقاً به موفقیتی سریع در میدان نبرد دست یافت و نفوذ خود را در جمهوری‌های مورد مناقشه (که مسکو آنها را به‌عنوان کشورهای مستقل به رسمیت شناخت) تقویت کرد و عملاً به چشم‌انداز کوتاه‌مدت گرجستان برای پیوستن به ناتو پایان داد. در این میان هزینه‌های بین‌المللی کمی نیز برای روسیه وجود داشت و سال بعد، اوپاما با وجود تمام این مسائل، خواستار پیگیری سیاست «تنظیم مجدد[۱]» برای روابط با روسیه شد.

در سال ۲۰۱۴ در پی اعتراضات گسترده، ویکتور یانوکوویچ، رئیس‌جمهور طرفدار روسیه در اوکراین از قدرت ساقط شده و از کشور گریخت. مسکو با ارسال نیرو و حمایت مادی به شورشیان جدایی‌طلب در شرق اوکراین و الحاق کریمه به خاک خود به این اعتراضات پاسخ داد. تراز سود و زیان ناشی از مداخله روسیه در اوکراین چندان ساده نیست و پیامدهای سیاسی آن هنوز مشخص

نشده است. اما به راحتی می‌توان مشاهده کرد که اقدامات پوتین باعث تشدید احساسات ضد روسی در اوکراین شد و ایالات متحده و اتحادیه اروپا تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال کردند. با این حال روسیه منطقه استراتژیک کریمه را به تصرف خود درآورد و پایگاه دریایی خود در دریای سیاه در «سواستوپل» را با حداقل هزینه مادی ایمن کرد. نفوذ روسیه بر نیروهای جدایی‌طلب شرق اوکراین نیز به اهرم قابل توجهی در دست مسکو برای اثرگذاری بر آینده اوکراین تبدیل شد.

سال بعد، در تابستان سال ۲۰۱۵ نظام بشار اسد در سوریه در برابر شورشی چهارساله در حال فروپاشی بود. پوتین برای نجات متحد خود و تنها پایگاه نظامی‌اش در خارج از اتحاد جماهیر شوروی سابق - یعنی پایگاهش در بندر طرطوس- نیروهای هوایی و زمینی خود را در سوریه مستقر کرد و ده‌ها حمله هوایی روزانه را علیه داعش و در عین حال سایر گروه‌های شورشی سوری انجام داد.

مداخله روسیه به تغییر توازن قوا در جنگ و واگذاری ابتکار عمل نظامی به اسد کمک کرد. در سال ۲۰۱۶، عملیات ایالات متحده علیه داعش روزانه به‌صورت متوسط بیش از ۱۱ میلیون دلار هزینه داشت؛ در حالی که عملیات هوایی روسیه در سوریه یک‌سوم از این مبلغ را هزینه می‌کرد.

ایران نیز از مداخله در جنگ‌های داخلی کشورهای خارجی سود بسیار بیشتری نسبت به ایالات متحده به دست آورد. اهداف اصلی تهران شامل بازدارندگی از تهدیدات ایالات متحده، اسرائیل و رقبایی مانند عربستان سعودی بود. ایران همچنین تلاش داشت از مداخله خارجی در داخل ایران ممانعت کرده و اجازه ندهد خاطره دخالت امریکا در سرنگونی محمد مصدق نخست‌وزیر ایران در سال ۱۹۵۳، دوباره تکرار شود. ایران همچنین تلاش داشت نفوذ سیاسی خود را از طریق حفاظت از کریدور غربی خود به سمت عراق، سوریه و لبنان و نفوذ اقتصادی به سمت شرق از طریق آسیای مرکزی توسعه دهد. مهم‌ترین مداخلات ایران پس از ۱۱ سپتامبر در عراق و سوریه بود و هر دو منجر به موفقیت‌های استراتژیک برای تهران شده‌اند. پس از آنکه نیروهای ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کردند، ایران به تأثیرگذارترین بازیگر خارجی در عراق تبدیل شد. تهران شبه‌نظامیان عراقی را که با گروه‌های رقیب و همچنین نیروهای امریکایی می‌جنگیدند، آموزش و تأمین می‌کرد. در سال ۲۰۱۴، تهران نیروهای ویژه و نیروی هوایی را مستقر کرد و در عین حال با تأسیس گروه شبه‌نظامی شیعه موسوم به «نیروهای بسیج مردمی» یا حشد الشعبی توانست جلوی پیشروی داعش به سمت شمال عراق را بگیرد. تهران در عین حال با داشتن متحدانی در پارلمان عراق، حق وتوی مؤثری بر انتخاب نخست‌وزیر این کشور به دست آورد. به طور کلی می‌توان گفت با حمله ایالات متحده به عراق، بغداد از دشمن ایران به متحدش تبدیل شد و همان‌طور که یکی از وزرای دارایی سابق عراق در سال ۲۰۱۷ بیان کرد، «نفوذ ایران در عراق غالب شد.»

زمانی که سوریه در سال ۲۰۱۱ وارد جنگ داخلی شد، تهران کمک‌های محدودی را به تنها متحد دیرینه خود در بین دولت‌های عرب ارائه کرد که شامل تجهیزات کنترل شورش، کمک‌های مالی و مشاوره نظامی بود. با گذشت زمان در شرایطی که شورشیان دست برتر را به دست آورده بودند، ایران نیز حمایت‌های خود را افزایش داد و به‌همراه مبارزان حزب‌الله، داوطلبان شیعه (از مناطق دوردست تا افغانستان) و ارسال نیروهای مستشاری و منظم - به‌خصوص نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - به حمایت از متحد خود در منطقه پرداخت.

هزینه {سیاسی} مداخله ایران در سوریه البته به دلیل تنش با ایالات متحده، اسرائیل و عربستان سعودی بالا بود؛ با این حال بازده آن نیز قابل توجه بود؛ حفظ اسد در قدرت و حفاظت از سنگ‌بنای پل زمینی ایران به دریای مدیترانه.

گزارش سال ۲۰۱۹ مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک به این نتیجه رسید که ایران از جنگ‌های عراق و سوریه در موقعیت بهتری نسبت به هر کشور دیگری ظاهر شده و احتمالاً تنها در این میان روسیه مستثنی است.

